

ایران، آمریکا و مسئله هسته‌ای

مقاله دکتر ابراهیم یزدی وزیر اسبق امور خارجه ایران در سرمقاله شرق

(۸۵/۰۳/۳۰)

۱- کوشش‌های دیپلماتیک آرام آرام موضوع هسته‌ای را به یک مرحله حساس و سرنوشت‌سازی رسانیده و فرصت‌هایی را برای عبور از این بحران به نفع منافع و امنیت ملی ایران و صلح و آرامش منطقه فراهم ساخته است. بی‌توجهی یا کم‌توجهی به حساسیت شرایط کنونی ممکن است موجب از دست رفتن فرصت‌ها و بروز مخاطرات جدی شود. به دنبال یک تفاهم و توافق چندجانبه میان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، اتحادیه اروپا، روسیه، چین و آمریکا بسته‌ای از پیشنهادهای به ایران ارائه و به موجب آن از ایران خواسته شده است که غنی‌سازی اورانیوم را متوقف سازد. در برابر به ایران به عنوان مشوق، وعده داده شده است که تحریم فروش هواپیماهای مسافری به ایران لغو شود، عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی تسریع و تصویب شود، همکاری با ایران برای جایگزین کردن تاسیسات تولید آب سنگین (اراک) با تولید آب سبک، ارائه تضمین‌های امنیتی به ایران از سوی کشورهای گروه ۱+۵ و غنی‌سازی مشترک با ایران در خاک روسیه. یک نظر دیگر هم در جامعه جهانی به وجود آمده است که برای حل بحران هسته‌ای مذاکره رودررو میان ایران و آمریکا ضروری است. مقامات مسئول در ایران مجموعه پیشنهادهای را مثبت تلقی کرده‌اند و آمادگی ایران را برای مذاکره با آمریکا بدون هیچ قید و شرطی، چه به صورت مستقیم میان دو کشور و چه در هیات‌های دیگر از جمله گروه ۱+۵ پذیرفته‌اند. دولت آمریکا مذاکره با ایران را به توقف غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران مشروط ساخته است.

۲- به موجب اظهارات مقامات مسئول کشورمان، ایران به فناوری تبدیل سنگ معدن اورانیوم به کیک زرد (در اصفهان) و غنی‌سازی آن در نطنز دست یافته است. یکی از اهداف ایران در گفت‌وگو با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و کشورهای اروپایی، به دست آوردن زمان برای ادامه تحقیقات هسته‌ای با هدف بومی کردن فناوری غنی‌سازی اورانیوم و تولید سوخت هسته‌ای برای نیروگاه بوشهر بوده است. به نظر می‌رسد این هدف اکنون تحقق پیدا کرده است. اما از آنجا که روسیه ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر را به اتمام نرسانیده و تحویل نداده است، ایران محلی برای مصرف اورانیوم غنی شده ندارد، جز این که آنها را برای مصرف آینده در نیروگاه بوشهر، هر زمان که تحویل داده شود، ذخیره کند. بنابراین ایران می‌تواند دستاورد خود را برای توسعه و تکمیل فناوری هسته‌ای تثبیت کند. اما اقدام ایران باید مشروط به این باشد که آژانس بین‌المللی، ایران را به عنوان یک کشور هسته‌ای به رسمیت بشناسد. به طوری که تغییرات احتمالی در مقررات آن پی‌تی شامل ایران نشود. هم‌اکنون در میان کشورهای اصلی دارنده فناوری هسته‌ای مذاکراتی برای ایجاد یک باشگاه هسته‌ای انحصاری با عضویت ده کشور هسته‌ای در جریان است. به نظر «کارشناسان رهیافت هسته‌ای چندجانبه» (ام‌ای‌ان) این احتمال وجود دارد که در صورت تشکیل یک باشگاه هسته‌ای انحصاری، به حقوق غیرقابل‌انکار کشورهای عضو آن پی‌تی در تحقیق، توسعه و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز لطمه وارد شود. آنچه تاکنون کشورهای ۱+۵ و حتی غیرمتعهدها گفته‌اند، تأکید بر حق ایران در دستیابی به فناوری هسته‌ای است. اما این حقی است که همه اعضای آن پی‌تی دارند. اگرچه برخی از اعضای آن پی‌تی کشور هسته‌ای محسوب نمی‌شوند، اما ایران سرمایه‌گذاری عظیمی برای تاسیسات هسته‌ای خود کرده است. توافق ایران با آژانس باید به صورتی باشد که حق ایران در استفاده از این تاسیسات از بین نرود.

اگرچه اعضای آن پی‌تی، از جمله ایران حق دارند از معاهده خارج شوند، اما برای کشوری مثل ایران خروج از آن پی‌تی با هزینه‌های بسیار سنگینی همراه خواهد بود. بنابراین حل مسئله کنونی نباید براساس از این ستون به آن ستون فرجی

است، موقتی باشد. هزینه ادامه بحران یا تکرار آن معادل است با از دست دادن فرصت‌ها برای سر و سامان دادن به برنامه‌های توسعه و ادامه توسعه نیافتگی. حل بحران هسته‌ای و به دنبال آن بحران و تنش در روابط خارجی به صورت نهایی و همه‌جانبه و نه موقتی و مقطعی نکته‌ای است که باید در راس توجهات و اولویت‌های تصمیم‌گیرندگان قرار بگیرد. نکته دیگر توجه به مشوق‌های پیشنهادی و ارائه پیشنهادهای تکمیلی است. در حالی که رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان از بسته پیشنهادهای استقبال کرده و آن را گامی مثبت تلقی کرده‌اند و این به جای خود واکنشی دیپلماتیک محسوب می‌شود، اما توجه به چند نکته ضروری است. اول این که برخی از پیشنهادهای تشویقی ماهیت یا ارزش تاکتیکی دارند نه استراتژیک. از آن جمله است لغو تحریم فروش هواپیماهای مسافربری به ایران. اگرچه ناوگان هوایی ایران به علت تحریم‌ها دچار ضعف‌های جدی و هزینه‌ساز است و فروش هواپیما این مشکل را برطرف می‌سازد اما اولاً یک معامله پرسود تجارتي برای فروشندگان هواپیماها نیز است. ثانیاً هیچ تضمینی وجود ندارد که ایران در آینده نه چندان دور با تحریم فروش قطعات یدکی هواپیماها روبه‌رو نشود. تعهد و تضمین فروشنده به تامین قطعات یدکی، در وضعیت روابط ایران با دنیای غرب کافی به نظر نمی‌رسد. برخی از پیشنهادهای تشویقی، نظیر پذیرش ایران به عضویت در سازمان تجارت جهانی، اگرچه علی‌الاصول مثبت هستند، اما در وضعیت کنونی اقتصاد ایران، به خصوص با توجه به نامه اخیر ۵۰ کارشناس برجسته اقتصادی ایران معلوم نیست پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی یک امتیاز است یا یک وام برای تعمیق و تشدید بحران اقتصادی و مزید بر نگرانی‌های برشمرده شده در نامه کارشناسان اقتصادی ایران. یکی دیگر از مشوق‌ها که توسط گروه ۱+۵ نیز پذیرفته شده است، پیشنهاد روسیه مبنی بر «غنی‌سازی مشترک با ایران در خاک روسیه» است. (وزیر امور خارجه روسیه، گزارش مهر، شرق ۲۷/۳/۸۵) فهم دلایل اصرار روسیه بر پذیرش این پیشنهاد چندان مشکل نیست. اما چرا باید ایران به رغم میلیاردها دلار که در تاسیسات هسته‌ای خود سرمایه‌گذاری کرده است مجدداً در تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم در خاک روسیه سرمایه‌گذاری نماید؟ به خصوص که سابقه روسیه در همکاری با ایران چندان مطلوب نیست. روسیه تعهدات خود را در مورد نیروگاه هسته‌ای بوشهر به انجام نرسانیده است. ایران به جای این پیشنهاد باید بر طرح قبلی خود، مبنی بر مشارکت کشورها و شرکت‌های غربی در غنی‌سازی ایران اصرار بورزد. از جهات انتقادی، سیاسی و امنیت ملی این طرح هم برای ایران و هم طرف‌های احتمالی غربی مناسب‌تر است تا طرح روسیه.

یکی دیگر از مشوق‌ها تضمین امنیت ایران است. اگرچه دولت آمریکا رسماً در واکنش به آن، اعلام کرد که هیچ تضمینی را تعهد نمی‌کند، اما به فرض قبول چنین تعهدی ضمانت اجرا ندارد. اولاً امنیت ایران بیش از هر زمان از جانب آمریکا مورد تهدید قرار گرفته است. امنیت ایران از جانب هیچ کشور دیگری مورد تهدید نیست. ثانیاً، آمریکا عضو سازمان ملل متحد است و به موجب منشور سازمان ملل متحد حق دخالت در امور سایر کشورها از جمله ایران را ندارد. ثالثاً، در بند یک بیانیه الجزایر، که امضای آن منجر به آزادی گروگان‌های آمریکایی از ایران شد، دولت آمریکا رسماً تعهد کرده است که در امور داخلی ایران دخالت نکند. اما رئیس‌جمهور و کنگره و سنای آمریکا اهداف و برنامه‌های مداخله‌جویانه خود را در امور ایران آشکارا بیان کرده‌اند. اما تضمین امنیت ایران اولاً از جانب گروه ۱+۵ معنا و کاربردی گسترده دارد و تعهد دولت آمریکا به تنهایی نیست. ضمن آنکه اگر مذاکرات گروه ۱+۵ با ایران و همزمان مذاکرات دوجانبه ایران و آمریکا به کاهش تنش‌های موجود بینجامد، خطرات احتمالی کاهش پیدا خواهد کرد. ثانیاً، اگر ایران بتواند پیشنهادهای دوگانه زیر را و یا نظایر آنها را به گروه ۱+۵ بقبولاند، عوامل عملی موثر در تضمین امنیت ملی ایران به دست خواهد آمد.

۳ - به نظر می‌رسد ایران ضمن آنکه پیشنهادهای تشویقی را با دقت ارزیابی می‌کند باید دو پیشنهاد اساسی را، که واجد ویژگی‌های استراتژیک هستند، مطرح سازد: اول آنکه دولت آمریکا مخالفت خود با احداث خط لوله انتقال نفت و

گاز طبیعی آسیای مرکزی به خلیج فارس از مسیر ایران را پس بگیرد. بررسی ها و مطالعات انجام شده حاکی است که این مسیر کوتاه ترین و از نظر اقتصادی به صرفه ترین گزینه برای شرکت های نفتی سرمایه گذار است و برای ایران منبع درآمد ارزی خوبی محسوب می شود. احداث این خط هم برای ایران و هم برای کشورهای غربی نیازمند نفت و گاز است و هم برای کشورهای آسیای مرکزی و شرکت های سرمایه گذار فضایی را ایجاد می نماید که محور اصلی آن تضمین استمرار و ادامه جریان نفت و گاز و در نتیجه پرهیز از دامن زدن به اختلافات و توسل به بحران سازی و تشنج زایی در روابط است. دوم آنکه آمریکا همچنین باید از مخالفت با احداث خط لوله گاز و نفت ایران به شبهه قاره هند - پاکستان دست بردارد. احداث این خط برای هر سه کشور ایران، هند و پاکستان منافع اقتصادی و سیاسی استراتژیک و درازمدت را در پی دارد. احداث این خط حفظ صلح در شبهه قاره هند - پاکستان را بیش از پیش به یک ضرورت اجتناب ناپذیر تبدیل می سازد. اطلاق پروژه صلح به این خط واقع بینانه است. علاوه بر این نقش و نفوذ منطقه ای ایران را به میزان قابل توجهی افزایش می دهد. موقعیت جغرافیایی ایران بدان گونه است که ایران می تواند در فرآیند صلح میان هند و پاکستان نقش تاریخی ایفا نماید. پس از پیروزی انقلاب، تمایل متقابلی میان هند و پاکستان برای میانجیگری ایران به وجود آمد و ابراز شد. در ششمین نشست سران کشورهای عضو جنبش غیرمتعهد که در سال ۱۳۵۸ در کوبا تشکیل شد و ایران برای اولین بار در آن حضور فعال پیدا کرد، در ملاقات ها و مذاکراتی که به عنوان معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه در این سفر با نمایندگان هند و پاکستان داشتیم، این تمایل و آمادگی هر دو طرف برای دخالت و میانجیگری ایران مطرح شد. اما عمر دولت موقت کوتاه بود و حوادث پس از آن، از جمله و به خصوص گروگانگیری، این فرصت را از ایران گرفت. اما اکنون شرایط به گونه دیگری است و اگر ایران بتواند مسئله انرژی هسته ای را پشت سر بگذارد و موانع و مخالفت های موجود بر سر راه احداث خط لوله هند و پاکستان را از میان بردارد، امکان برای ایفای نقش مفید و موثر در راه صلح پایدار در این منطقه به ابتکار ایران فراهم خواهد شد.

۴- یکی از نکات برجسته شرایط کنونی اتفاق نظر در جامعه جهانی در ضرورت مذاکره مستقیم میان ایران و آمریکا است. هم دولت ایران و هم دولت آمریکا، هر دو آمادگی خود را برای مذاکره رسمی اعلام کرده اند. در حل بحران میان دو کشور، این اولین گام ضروری است. تجارب تاریخی در قلمرو دیپلماسی حاکی از آن است که در حل مناقشات میان دو کشور سالم ترین و مطمئن ترین گزینه مذاکره مستقیم است. در مذاکرات غیرمستقیم، کشور ثالث براساس منافع خود میانجیگری را پیگیری می کند و چه بسا خود مانع تفاهم میان دو طرف بشود. ایران و آمریکا هر دو طی ۲۷ سال گذشته، فرصت های مناسبی را برای آغاز مذاکرات و کاهش تشنجات میان دو کشور از دست داده اند. آمریکا در جریان سقوط طالبان و تشکیل دولت جدید از همکاری گسترده ایران برخوردار بود. تماس ها و مذاکراتی هم وجود داشت، اما از همان حد جلوتر ادامه نیافت و فرصت از دست رفت. در جریان حادثه ۱۱ سپتامبر نیز دولت آمریکا فرصت سوزی کرد. و به جای برداشتن گامی مثبت در راستای کاهش تنش با قرار دادن نام ایران در محور شرارت، عملاً راه را مسدود کرد. در دولت های خاتمی و سفر ایشان به نیویورک حضور رئیس جمهور وقت آمریکا در سازمان ملل به هنگام سخنرانی های خاتمی، فرصتی بود برای آغاز مذاکره. اما این فرصت ها از دست رفت. اکنون به نظر می رسد طرفین آمادگی برای مذاکره مستقیم را پیدا کرده اند. اما مذاکره دیپلماتیک برای حل تنش ها و رسیدن به توافق یک علم و یک هنر است و شرایطی دارد. که بحث آن از گنجایش این تحلیل بیرون است و نیاز به فرصت دیگری دارد.